

وقوع سیل در چندین استان کشور که از اواخر اسفند سال گذشته شروع شده است، تاکنون صدمات گسترده‌ای در حوزه انسانی، اقتصادی و زیرساخت‌ها در پی داشته است. ۷۶ کشته، خسارت بالغ بر ۶ هزار میلیارد تومانی در حوزه شهری و خسارت ۴ هزار میلیارد تومانی در حوزه ارتباطات جاده‌ای بخشی از نتایج وقوع این سیل تا امروز بوده است.

این خسارت‌های گسترده اما چه درسی به ما می‌دهد؟ آیا ما خود را برای مقابله با حوادثی که روز به روز پیچیده‌تر می‌شوند آماده کرده‌ایم؟ در گذشته سیل بود و خسارت و زیرساخت‌های

عوارض آن به تنهایی و احساس نیاز گسترده به حمایت مادی از سوی دیگران از مشخصه‌های بارز این روزهای مناطق سیل‌زده است.

با این تعریف به سراغ شهرهای سیل‌زده برویم. آق قلا، گمی‌شان، بلدختر، معمولان، خرم‌آباد و شهرهای دیگر سبیل استان خوزستان که این روزها زیاد به گوشمان خورده است، چقدر تاب‌آور هستند؟ تخریب گسترده زیرساخت‌های لازم برای یک زندگی عادی، آسیب گسترده به بخش‌های مولد اقتصادی این مناطق (کشاورزی، دامداری و صنعتی)، صدمات روحی افراد درگیر سیل (امید

عوارض آن به تنهایی و احساس نیاز گسترده به حمایت مادی از سوی دیگران از مشخصه‌های بارز

این روزهای مناطق سیل‌زده است. واقعیت آن است که شهرهای ما (هم کلانشهرهایی همانند تهران و اهواز و هم شهرهای کوچک همانند بلدختر و معمولان) در برابر کوچکترین اتفاقات مانند یرف و باران ناتوان هستند و عملاً شاهد این هستیم که شهرها در روزهای برفی یا بارانی کارکرد خود را از دست می‌دهند و دچار مشکلات بسیاری می‌شوند. به عبارت دیگر شهرهای کشور در برابر حوادث کوچک یا بزرگ تاب آور نیستند زیرا ظرفیت‌هایی

تجربه‌هایی که سیل با خود می‌برد!



سعید درویشی

که می‌بایست برای مقابله با تهدیدات ایجاد می‌شد، ایجاد نشده است.

زیرساخت‌های شهری به شدت آسیب‌پذیر هستند
سیل اخیر نشان داد آب، برق، گاز، شبکه‌های ارتباطی و… که به عنوان زیرساخت‌های شهری محسوب می‌شوند، در برابر حوادث آمادگی لازم را ندارند. از سوی دیگر برخی ساخت‌های شهری همانند جوی‌های شهری، رودردها، قنات‌ها و …

به آینده و بازگشت به زندگی باثبات قبلی در این مناطق سیل‌زده با توجه به وضعیت اقتصادی کشور بسیار کاهش پیدا کرده است. البته با مصوبات ویژه دولت برای تامین اعتبار جبران خسارات و نقش‌آفرینی نهادهای غیردولتی همچون نیروهای مسلح، آستان قدس رضوی، بنیاد مستضعفان و بنیاد برکت برای بازسازی دوباره مناطق سیل‌زده، باید منتظر خبرهای خوبی از آینده این مناطق باشیم) و همچنین عدم توانایی مقابله با سیل و

ناگفته پیداست که موضوع ازدواج جوانان رابطه مستقیمی با ساختار جمعیتی کشور دارد؛ به این معنی که ازدواج جوانان و تشکیل خانواده‌ای مولفه‌های تاثیرگذار بر سیاست‌های جمعیتی کشور است. بنابراین نخبگانی که دغدغه جمعیت کشور را دارند؛ باید با دقت نظر بیشتری قوانین و سیاست‌گذاری‌ها در حوزه ازدواج را بررسی کنند.

رسول صادقی، عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در گفتو گویی با خبرگزاری فارس با بیان اینکه سیاست‌گذاری در حوزهٔ خانواده مثل شمشیر دولبه است، گفت: امروزه در فرهنگ‌ها و قیمت‌های مختلف، تفاوت‌های بسیاری پیرامون الگوی رفاری وجود دارد. ازدواج افراد مشاهده می‌شود، بنابراین سیاست‌گذاری و تصویب قوانین غیر کشاندنی می‌تواند باعث زیادی را دامن زند. مثلاً زمانی که قوانین با عرف و فرهنگ جامعه در تضاد باشند، امکان دارد که نهاد خانواده را تضعیف کند.

صادقی افزود: در بحث ممنوعیت یا غیر قانونی کردن ازدواج‌های زیر ۱۳سال برای دختران، نکاتی وجود دارد، باید توجه شود که این ازدواج‌ها در کدام مناطق و در چه طبقاتی از جامعه انجام می‌شود؟ اینجا نکته مهمی است که حامیان افزایش حداقل سن ازدواج باید بدان دقت کنند. ازدواج‌های زیر ۱۳سال، چیزی کمتر از ۲۳ ازدواج‌های کشور را شامل می‌شود. این یعنی این‌گویی رفاری تعداد و درصد خیلی کمی از ازدواج‌ها را در کشور به خود اختصاص داده است، اما قانون‌گذار نمی‌تواند این جمعیت ۲۳ را نادیده بگیرد.

وی بااشاره به دیدگاه خانواده‌هایی که در آنها دختران در سنین زیر ۱۳ سال، ازدواج می‌کنند، گفت: باید بررسی نشود که نگاه آنها به ازدواج فقط تابع قانون است یا بحث عرف و شرع را نیز شامل می‌شود.

ممنوعیت قانونی به حذف ازدواج دختران زیر ۱۲ سال منجر نمی‌شود
عضو هیئت‌مدیره انجمن جمعیت‌شناسی ایران با بیان اینکه هم‌اکنون نیز ازدواج دختران زیر ۱۳سال، تنها از طریق مراجعه به دادگاه و تشخیص مصحت انجام می‌شود، افزود: دادگاه مصلحت افراد را در نظر می‌گیرد و اگر شرایط ازدواج دختران امکان‌پذیر نباشد، اجازه ازدواج را نمی‌دهد. ممکن است عرف و قانون در برخی مواقع باهم در تضاد باشند که در این شرایط هم به فرض ممنوع شدن

ازدواج آنها ضمانت قانونی ندارد.

محدودیت‌ها برای ازدواج دختران توسط قاضی انجام شود، در غیراین صورت به نظر می‌رسد که ممنوعیت قانونی منجر به حذف این ازدواج‌ها نخواهد شد.

وی ضمن‌اشاره به تبعات قانون محدودیت حوزه ازدواج با محرومیت بیشتر زنان و دختران گذشته نشان می‌دهد که دخالت قانون‌گذار در حوزه ازدواج با محرومیت بیشتر زنان و دختران همراه خواهد بود؛ چرا که بعد از اعمال این قانون شاهد وقوع بیش از ۱۵۰ هزار ازدواج غیرقانونی و تولد یک میلیون فرزند بی‌هویت و بی‌شناسنامه هستیم. در برخی مناطق کشور به دلیل ارزش‌های عرفی و فرهنگ حاکم بر آن مناطق، دختران بدون توجه به محدودیت قانونی، ازدواج می‌کنند در این مواقع قانون‌گذاری تنها محرومیت بیشتر دختران را دامن می‌زند، زیرا ازدواج آنها ضمانت قانونی ندارد.

ایرانی، گفت: اینکه بعد از ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی فرزندی متولد می‌شود که نمی‌تواند یک سند هویتی به اسم شناسنامه بگیرد، این برای زن یعنی محرومیت و مصداق واقعی تضییع حقوق کودک به شمار می‌آید.

ضعف قانون سبب محرومیت از تحصیل دختران می‌شود
عضو گروه جمعیت شناسی دانشگاه تهران با بیان اینکه حامیان افزایش حداقل سن ازدواج به میان مناطق را به مثابه تهران می‌نگرند، افزود: حامیان افزایش سن ازدواج تنوع فرهنگی را درنظر نمی‌گیرند، بدون در نظرگرفتن فضای فرهنگی حاکم بر مناطق مختلف کشور نمی‌توان سیاست‌های حمایتی مطلوبی اتخاذ کرد. همچنین اگر هدف از افزایش حداقل سن ازدواج، تحصیل دختران است باید تبصره قانونی اضافه شود که این دختران بعد از ازدواج بتوانند در مدارس

ندیدیم بلکه شاهد یک بی‌ست بودیم. از سوی دیگر اثرات اجتماعی این بی‌ست را می‌توان در از سوی دیگر بعد از وقوع هر بحرانی مسئولان به سراغ نوسازی می‌روند؛ یعنی همان عوامل بحران‌ساز را این‌بار با نام مقاومت‌سازی در جای خود تثبیت می‌کنند. بنابراین شاهد هستیم که در سختان مسئولان کشوری حرفی از جاییایی برای احداث مسکن برای سیل‌زده‌ها در نقطه امن سراغ ندارند، بلکه احداث سدشکن و دیوار ساحلی بهترین راه‌حل برای آینده معرفی می‌شود. یعنی عملاً بدون بازطراحی مناطق سیل‌زده براساس اصول تاب‌آوری شهری، تنها منابع خود را هدر می‌دهیم.

همچنین به گفته وی در سیل اخیر و یا حادثه معدن ذغال سنگ یورت، هیچ بودجه‌ای برای پیشگیری در نظر گرفته نشده بود و استانداران با مبالغی تحت عنوان خنثی‌سازی به سراغ این موضوعات رفتند.

یعنی هنوز در کشور ما، به عنوان یک کشور مستعد برای وقوع بحران‌ها و حوادث طبیعی در مقیاس کلان و در دوره‌های کوتاه‌مدت، یک سازمان تخصصی در حوزه پیشگیری، طراحی، آموزش و مقابله با بحران نداریم. این‌ن نقص را می‌توان خسارت‌بارتر از یک سیل و زلزله و … دانست.

برای آینده آماده نیستیم
نگاهی گذرا به وضعیت شهرهای ایران در حوزه مدیریت بحران نشان می‌دهد که بسیاری از آنها علی‌الخصوص کلانشهرها براساس شاخص‌های کالبدی-محیطی تاب‌آوری شهری وضعیت مناسبی ندارند. عدم نگاه کلان به پدیده بحران و تبعات چند جانبه آن، وضعیت نامناسب دسترسی مردم به منابع حمایتی بعد از وقوع بحران، عدم وجود شبکه‌های حمایتگر در زمان وقوع و مدیریت بحران از جمله ضعف‌های شهرهای ما است.

سیل اخیر نشان داد چه اهوز (به عنوان یک کلانشهر) و چه بخش معمولان به یک اندازه ناتوان از مقابله با بحران هستند. حال اگر این سیل در تهران رخ می‌داد نیز باید منتظر یک فاجعه می‌بودیم؟ سوالی که پاسخ آن گویاست!

نمایندگان مجلس برای کاهش موانع ازدواج در این حوزه اقدام کنند، مثلاً موانع اخذ وام ازدواج را کاهش دهند. همچنین باید با اعمال سیاست‌های

صادقی افزود: حامیان افزایش حداقل سن ازدواج باید محرومیت‌ها را لحاظ کنند و درصدد رفع آنها برآیند. مثلاً اگر دختری که ازدواج می‌کند با موانعی برای تحصیلش روبه‌روست، باید موانع قانونی برای تحصیل آن فرد مرتفع شود نه اینکه حق ازدواج را از او بگیرند.

تاخیر در سن ازدواج معضل اجتماعی است
وی در ادامه با تاکید بر پیچیدگی مسائل اجتماعی، گفت: باید بخش قابل توجهی از جامعه درگیر مسئله ازدواج جوانان شود. از آنجا که مسئله



ازدواج و فرزندآوری رفته و زمانی که به‌طور میانگین در ۲۴سالگی ازدواج می‌کنند بطور متوسط ۴ تا ۳ سال طول می‌کشد تا فرزند اول را به دنیا بیاورند.

عضو انجمن جمعیت‌شناسی آسیا، درخصوص آسیب‌های لایحه افزایش سن ازدواج گفت: اگر طراحان محدودیت سنی ازدواج، استاندارد واحدی برای تهرانیزه شدن قوانین ازدواج در نظر بگیرند این از نظر بافت فرهنگی جامعه آسیب‌زا خواهد بود. زیرا این خیلی مهم است که سیاست‌گذاران از استان ایلام این آمار برای پسران به ۴۰ درصد است. بنابراین مسئولین حوزه خانواده، باید به سراغ جوانان بروند و مهم‌ترین مسئله و مشکلاتشان برای تاخیر در سن ازدواج را جویا شوند.

صادقی بااشاره به چالش‌های جوانان در موضوع ازدواج، گفت: بهتر است قانون‌گذاران و

صفحه ۸
شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۸
۱۰شعبان ۱۴۴۰ - شماره ۲۲۱۶۲

ماهگیری از سیل برای تلگرام و توئیتر



علیرضا معزی، دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت، از فرصت سیل برای دفاع از تلگرام و توئیتر استفاده کرده و توئیت زده است:

«پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی به ویژه تلگرام و توئیتر به مثابه رسانه‌های بحران، نقشی ممتاز در امدادرسانی ایفا کردند؛ تبادل آسان و دسترسی سریع به اطلاعات، دلیل اصلی جاماندن رسانه‌های جریان اصلی بود و اگر فیلترینگ مانع نمی‌شد، امدادرسانی روندی موثرتر می‌یافت. از تجربه‌ها بیاموزیم.»

البته در بحران نرخ ارز سال گذشته نیز مشابه این سخنان از جانب وزیر ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که به‌اشتباه در آن به نقش شبکه‌های اجتماعی در همدلی ملی و سقوط دلار اشاره شده بود. به هر حال باید قبول کنیم که برخی از مسئولین اجرایی به در و دیوار می‌زنند تا بتوانند پرچم تلگرام و مانند آن را بالا نگه دارند.

۱- بنا به دستور مقام قضایی، فیلتر تلگرام باید به گونه‌ای اتفاق می‌افتاد که از هیچ طریقی در کشور قابل دسترس نباشد. اما هم اکنون با انواع حیل و تنفس‌های مصنوعی و بر اثر سیاسی کاری، تلگرام با کمک فیلتر شکن‌های مورد حمایت دولت در دسترس قرار دارد.

۲- چگونه به جاسوس افزارهایی مثل تلگرام و توئیتر با وجود حکم قضایی مبنی بر فیلتر آنها، - آن هم از سوی کسانی که حق استفاده یا تبلیغ آنها را ندارند - رسانه‌های بحران اطلاق می‌شود؟ سیل شایعات و اخبار جعلی که خود بحران دیگری فراتر از بحران سیل بود، با تمرکز بر کدام شبکه‌های اجتماعی بین مردم مخابره می‌شد؟ باید به دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت که به رغم فعالیت رسانه‌ای ظاهراً خود را بی‌اطلاع نشان می‌دهند، بگوییم که تلگرام و توئیتر را برای همین موقع‌ها به مردم ما اززانی داشته‌اند!

۳- واقعاً برای ما آشکار نیست که ارتباط بین فیلترینگ و امدادرسانی چگونه شکل گرفته و فیلترینگ دقیقاً چه مانعی برای کمک به سبیل زدگان ایجاد کرده است؟ مثلاً بعد از فیلتر شدن تلگرام مردم دست از شبکه‌های اجتماعی دیگر برداشته‌اند؟

۴- کدام مسئول آمریکایی یا اروپایی را دیده‌ایم که از یک محصول ایرانی این گونه دفاع کند که مسئولین ما برای محصولات آنها سر و دست می‌شکنند؟

۵- حالا که دولت با کمک تلگرام و توئیتر توانست از وضعیت مردم سیل زده و مشکلات آنها اطلاع یابد، چرا نسبت به سیاه، ارتش، سپنج و نیروهای مردمی، از قافله عقب ماند؟ آیا بعضی از مسئولین در روزهای اول خواب بودند، در سفرهای تفریحی به سر می‌بردند، تلگرام و توئیتر نداشتند یا تلگرام و توئیتر آنها در حالت کما و احتضار قرار داشت؟

۶- چه کاری تلگرام و توئیتر در ماجرای سبیل انجام دادند که نرم‌افزارهای ایرانی از انجام آن ناتوان هستند؟ آیا دسترسی آسان و سریع به سبیل زدگان فقط از طریق نرم‌افزارهایی که هزاران کیلومتر فراتر از مرزهای ما سرور دارند، صورت می‌گیرد؟ اصلاً چرا باید پیام یک موبطن سیل‌زده از مرز خارج شود و در سرورهای بیگانه ذخیره شود و آنگاه دوباره وارد کشور شود و سپس به دست موبطن دیگر برسد تا به او کمک کند؟ مگر اقمه را باید از پشت سر خورد؟

۷- ادبیات برخی از مخالفین فیلترینگ به گونه‌ای است که انسان گمان می‌کند آنها بین دوراهی عصر دایناسورها و استفاده از تلگرام و توئیتر و فیس‌بوک، دومی را انتخاب می‌کنند، در حالیکه راه سوم و بهتری برای آن وجود دارد. یکی از سردمداران این نوع تفکر، وزیر ارتباطات است که مسئول شاره یک ملی کردن فناوری اطلاعات و ارتباطات کشور محسوب می‌شود. این دوگانگی ساختگی حتی در سایر امور اجرایی و در ذهن بعضی از مسئولین نیز رخنه کرده است. باید گفت که اتفاقا برای اینکه به دوران قاجار برگردیم لازم است به جای مصرف‌کننده بودن، زحمت کشیده و مدل‌های بومی هر نرم‌افزار را گسترش دهیم. باید مراقب بود با اشتباه محاسباتی، همان اشتباهی را که به ظاهر روشنفکران در دوران قاجار مرتکب شدند، ادامه ندهیم. اتفاقاً ما هم می‌گوییم از تجربه‌ها بیاموزیم.



در بیانه گام دوم رهبر انقلاب، نکته بسیار مهمی به چشم می‌خورد که به نظر می‌رسد کمتر مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته است. آن نکته تعیین اولین اقدام عملی در جهت رسیدن به اهداف این بیبانه از سوی معظله له است.

رهبر انقلاب اسلامی در ۲۵ مهر ۱۳۹۷ در دیدار با نخبگان و استعدادهای برتر علمی فرمودند: «[ا]ن یک جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای بسیار تندی علیه ما وجود دارد، درست مثل جنگ تحمیلی. در جنگ تحمیلی، ما اوایل جنگ حتی آری‌چی نداشتیم؛ آری‌چی! خب مقابل ما یگانهایی بزرگ زرهی آمده بودند صف کشیده بودند… اینجا [سلاح] ضد‌تانک لازم داشتند، ضد‌تانک معمولی دمدستی همه کس استفاده‌کن هم آری‌چی ایست، ما آری‌چی نداشتیم! سلاح سازمانی ارتش هم نبود؛ حتی این را نداشتیم. آن‌وقت دشمن از نوع و اقسام تسلیحات برخوردار بود؛ الان هم همان‌جور شده. الان امکانات تبلیغاتی و رسانه‌ای ما در مقابل دشمن، مثل امکانات آن روز ما است در مقابل دشمن، البته آن روز ما غلبه کردیم بر دشمن، امروز هم غلبه خواهیم کرد؛ بدون تردید غلبه خواهیم کرد، اما وضع این است.»

ایشان در بخشی از بیبانه گام دوم کم به مناسبت چهلمین سال پیروزی انقلاب منتشر شد، نوشتند: «اما پیش از همه، نخستین توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت… در طول این چهل سال - و اکنون مانند هشتاد - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. دشمن‌های تبلیغاتی مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسّنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورز دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است.»

در برخی از آثار که درباره این بیبانه تولید شده است به خوبی به بحث پروراندن نهال امید توجه شده است اما به گام پیشین آن یعنی «شکست محاصره تبلیغاتی دشمن» اشاره نشده است. همان طور که در متن بیبانه نیز بیان شده است پروراندن این نهال، بدون شکستن محاصره تبلیغاتی دشمن شدنی نیست. رسانه‌های بر تعداد دشمن یا تبلیغات پرچم و هوشمندانه دامن‌آ در حال مبارزان فضای ذهنی هومطنانمان است. آنها برای خشکاندن ریشه نهال امید هر روز مواد سمی مختلفی را پای آن می‌ریزند و ما تا جلوی ورود این مواد سمی را نگیریم گام‌های بعدی برای رشد و بارور کردنش اِتر خواهد ماند. اهمیت مضاعف این مطلب با توجه به توصیفی که معظله‌له از نسبت توان رسانه‌ای ما و دشمن ارائه کرده‌اند روشن می‌شود. شرایط امروز ما دقیقاً مشابه آغازین روزهای جنگ تحمیلی است. برای پیروزی در این نبرد نیز همچون دفاع مقدس نیازمند به میدان آمدن اقشار مختلف مردم هستیم. روشنی آورد به میدان نبرد نیازمند آموزش دیدن است. برای حضور در عرصه، صرفاً توانایی شلیک با اسلحه کافی نیست، باید آموزش‌های مختلف نظامی امنیتی و… دید. گرفتار نشدن در دام خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسّنات بزرگ نیازمند آموزش دیدن است. اما مهارت تعامل با این سلاح موثر و استفاده از آن را نیازموزیم فقط در این نبرد مغلوب خواهیم بود. این آموزش هم ما را در مقابل حملات ناجوانمردانه رسانه‌ای واکنسینه می‌کند و هم به ما توان حملات رسانه‌ای هدفمند و موثر خواهد داد. ما برای حضور هوشمندانه و اثر بخشی در این نبرد رسانه‌ای نیازمند راهاندازی نهضت سواد رسانه‌ای هستیم. باید دوباره مساجد و پایگاه‌های بسیج و… به مراکز نهضت سوادآموزی تبدیل شوند؛ این بار سوادی از جنس رسانه. این اولین گام از نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد ما است.